

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۶، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۴۸ - ۲۷

کودکان در شهر: بررسی ساختار فضایی مسکن و شهر در ارتباط با فرهنگ کودکان در منطقه یازده تهران

مریم ارمغان-
ناهید عبدلی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۲۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۷

چکیده

کودکان، به عنوان زیست‌کنندگان فضای شهری، بخش مهمی از جامعه و همچنین گروه اجتماعی نادیده گرفته‌شده در شهر تهران هستند. به منظور در نظر گرفتن جنبه‌های متنوع درک و زیست کودکان در فضای مسکونی و شهری، این مقاله سعی دارد تا با ارائه نتایج حاصل از بررسی مشارکت کودکان در ارتباط با مسکن و شهر، محققان اجتماعی- فرهنگی و مدیران و برنامه‌ریزان شهری را متوجه جامعه‌ای بزرگ از انسان‌هایی کوچک سازد. برای این منظور با رویکردی برساختی، کودکان به عنوان کنشگران اجتماعی شناخته می‌شوند که درکی ذهنی و واقعی از نیازهای خود در یک جامعه شهری دارند؛ می‌توانند موقعیت خود را در جامعه شهری تعریف کنند و نسبت به عوامل محیطی و کالبدی ناخوشایند واکنش نشان دهند. بررسی اسناد بالادست و کالبد مسکونی و شهری منطقه یازده تهران در مقایسه با داده‌های کیفی حاصل از نتایج مشاهده، مصاحبه غیرساختمند، بررسی متن و نقاشی کودکان با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی ما را به این مهم می‌رساند که برای داشتن جامعه‌ای سالم و پویا گسترش عرصه عمومی در شهر و ایجاد فضای کاملاً خصوصی برای کودکان در خانه امری ضروری است. شهر مطلوب کودکان فضایی است که حداکثر نیازهای جسمی و روانی آنان را تأمین می‌کند؛ فرهنگ دوران کودکی و فردیت در فضای خصوصی بازنمایی می‌شود و تعامل و مشارکت اجتماعی، دسترسی به امکانات شهری، احساس آرامش و امنیت در فضای عمومی گسترده را فراهم می‌آورد. ملاحظات کودکان از فضای معماری و شهری، جنبه‌های مختلف کالبدی، ذهنی و رفتاری آن را شامل می‌شود که بارها در مصاحبه‌ها و نقاشی‌ها به آن اشاره کرده‌اند.

کلید واژگان: بازی، شهر، عرصه خصوصی، عرصه عمومی، فرهنگ دوران کودکی، کودک، مسکن.

* استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
armaghan@qiau.ac.ir

— کارشناس ارشد انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
nahid_abdoli@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

شهر مجموعه‌ای فرهنگی- کالبدی است که بر اساس نیاز، کنش و رفتار شهروندان شکل می‌گیرد و در نتیجه ارتباط متقابل بین انسان‌ها و فضاهای متکثر شهری موجودیت می‌یابد. کودکان بخشی از همین جامعه شهری محسوب می‌شوند که در میان مسائل و آسیب‌های متعدد شهری در ایران نادیده گرفته می‌شوند. از حوزه‌های جدید در دهه‌های اخیر، انسان‌شناسی دوران کودکی^۱ و انسان‌شناسی شهری^۲ است که قلمروی مطالعات خود را از مطالعه فرهنگ در جوامع کوچک به شهر گسترش داده‌اند. مطالعات انسان‌شناختی تاکنون کمتر بر مطالعات فرهنگی و تأثیر متقابل فضا و انسان متمرکز شده است در صورتی که یکی از موضوعات مهم در دنیای امروز، مطالعه روابط متقابل گروه‌های متفاوت سنی، جنسی، قومی و ... در ارتباط با فضاهای زندگی اجتماعی در شهر است.

در حال حاضر حذف موجودیت فهم انسانی از فرایند شهرسازی و توجه بیش از اندازه به سودانگاری فضا و کالبد شهری باعث شده است تا جنبه‌های متنوع تجربه زیسته شهروندان نادیده گرفته شود. به تعبیر دورکیم، عدم توجه به مسائل شهری بی‌نظمی اجتماعی و فرهنگی را تشدید و تقویت می‌کند و گسترده شدن آن شاهی بر نیروی محدود شونده قواعد اخلاقی و اجتماعی است (دورکیم، ۱۳۷۸: ۱۶۰)؛ زیرا تمرکز برنامه‌ریزان و مدیران شهری به کالبد منطبق بر مجموعه‌ای از فضاهای کارکردی- اقتصادی است که شهروندان و به ویژه کودکان را در خدمت توسعه شهری قرار می‌دهد.

مقاله ارائه‌شده با رویکردی برساختی در حوزه شهری به موضوع برساخت درک کودکان از فضای مسکونی در شهر و پیامدهای برنامه‌ریزی و مدیریت جامعه بزرگسال بر کودکان می‌پردازد. با توجه به چند وجهی بودن داده‌ها (آماري، شهرسازی، انسان‌شناختی) و جهت تسهیل درک موضوع، پرسش‌هایی با رویکرد برساخت‌گرایی و با موضوعیت کودکان مطرح می‌شود.

۱. کودکان چگونه موقعیت اجتماعی و فضایی خود در شهر را بازمی‌شناسند و تعریف می‌کنند؟

۲. در کالبد شهری به دنبال برطرف نمودن کدام نیازهای اساسی خود هستند؟

۳. واکنش آن‌ها به عدم دسترسی به حداقل فضاهای مورد نیازشان چگونه بروز می‌کند؟

۴. جامعه بزرگسال اعم از والدین، مسئولان نهادهای مرتبط و جامعه علمی در مقابل واکنش کودکان از چه ابزارهای کنترلی استفاده می‌کنند؟

یافته‌ها و نتایج به‌دست‌آمده، حاصل پژوهش میدانی و اسنادی با هدف اهمیت بخشیدن به فرهنگ کودکان به عنوان شهروندان حال و آینده است و لزوم جستجوی دلایل تنش و ناسازگاری‌های رو به افزایش این گروه سنی در واکنش به محیط شهری را بیان

¹ anthropology of Childhood

² urban Anthropology

می‌کند. در حال حاضر بسیاری از این واکنش‌ها و رفتارهای اجتماعی با برچسب اختلال و بیماری روانی مواجه می‌شوند؛ درحالی‌که کودکان توانایی ارائه تعریفی درست از خانه و محیط زندگی مطلوب خود را دارند؛ نسبت به تأمین نیازهای خود در کالبد و جامعه شهری آگاه‌اند؛ می‌توانند با برداشت از خود، محیط زندگی مطلوبشان را ترسیم کنند و در نهایت در مقابل شرایط نامطلوب محیطی، واکنش منفی نشان دهند.

مبانی نظری

بسیاری از پژوهشگران تأکید زیادی بر اهمیت تفسیر مردم از محیط اجتماعی و فیزیکی پیرامون خود دارند و با طرح پرسش‌هایی از این دست که چگونه مردم فعالانه شرایط زندگی خود را تفسیر می‌کنند و از ساختارها چه تأثیری می‌گیرند و یا آن‌ها را چگونه می‌سازند، به تبیین کنش انسان و محیط می‌پردازند. یکی از نظریه‌هایی که کمک شایانی به این مهم می‌کند، رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی^۱ است. این رویکرد برگرفته از نظریه‌های کنش متقابل، پدیدارشناسی و هم‌چنین رویکرد جامع‌تر و پیشرفته‌تر نظریه برچسب‌زنی^۲ (بکر، ۱۹۶۳) در بررسی مسائل اجتماعی است. فرضیه اصلی در این رویکرد آن است که مسائل اجتماعی چیزی غیر از تعریف افراد درباره شرایط یا رفتاری که آن را مشکل‌آفرین یا مسئله‌دار می‌بینند و درباره آن اقامه دعوی می‌کنند، نیست. اقامه‌کنندگان دعوی، مخالفان و مخاطبانی که مورد هدف هستند و تعریف مسئله اجتماعی که بر آن‌ها اطلاق می‌شود، از عوامل اصلی برساخت اجتماعی واقعیت‌اند (اسپکتور و کیتسوز، ۱۹۸۷). در این نظریه واقعیت از راه‌های گوناگونی مانند تمایلات سیاسی و ایدئولوژیک افراد یا گروه‌های ذینفع، انگیزه ناشی از علاقه اجتماعی افراد، ترجیح برخی شواهد یا واقعیات بر دیگر شواهد و عقلانیت برساخته اجتماع تعریف و برساخت می‌شود (بگوسیان، ۲۰۰۱). پژوهشگرانی همچون وب و همکارانش به برساخت اجتماعی و کیفیت کودکی‌ها در سراسر جهان تمرکز کرده‌اند و نقش فعالانه‌تری به کودکان می‌دهند (وب، ۲۰۰۸).

وجود واقعیت اجتماعی کودکان ناسازگار و ناآرام، وابسته به تعریف خاصی از رفتارهای اجتماعی کودکان است که در یک فرآیند کنش و واکنشی میان کودک و دیگری شکل می‌گیرد و با اصطلاحات عامیانه مانند کودک شیطان، کودن، ناسازگار و یا اصطلاحات علمی مانند افسرده، پرخاشگر، بیش‌فعال برساخته اجتماعی می‌شود و گروه‌های ذینفع نیز به ترویج آن می‌پردازند. مسئله اصلی انکار وجود رفتار ناهنجار کودکان نیست، بلکه هدف بازشناسی و چگونگی ایجاد رفتارهای ناسازگار و ناآرام است و می‌خواهد بداند، جامعه بزرگ‌سال، کودکان را در چه شرایط و موقعیتی قرار داده که آنان را ناگزیر به واکنش ناسازگارانه کرده است. انسان‌شناسی دوران کودکی حوزه‌ای است که به پرسش‌هایی پیرامون کودکان و کودکی پاسخ می‌گوید. کریستنسن و پروت از محققان انسان‌شناسی دوران

^۱ social constructionism

^۲ labeling theory

کودکی در یک بررسی، چهار رویکرد نظریه‌پردازی در پژوهش‌های مربوط به کودکی و کودکان را شناسایی کرده‌اند (کریستنسن و پروت، ۲۰۰۲: ۱۲۵-۱۲۶).

۱. کودک به عنوان ابژه و موجودی منفعل که برای انسان شدن نیاز به آموزش دیگران دارد.

۲. کودک به عنوان سوژه که در پی «بازشناسی کودک، به عنوان یک شخص با ذهنیت و برداشت‌های خود» از جهان پیرامون است.

۳. کودک به عنوان کنشگر اجتماعی که رویکردی نسبتاً جدید است و کودکان به عنوان فعالان اجتماعی با تجربیات و درک از خودشان مطرح هستند، کودکان در جامعه مشارکت می‌کنند و زندگی اجتماعی و فرهنگی خود را تغییر می‌دهند. یک مشخصه عمومی این دیدگاه تحقیقی آن است که کودکان را مستقل از جامعه بزرگسال فرض کرده است.

۴. دیدگاه اخیر که کودک را به عنوان مشارکت‌کننده و همراه پژوهشگر می‌بیند.^۱ نگاه غالب در جامعه امروز ایران رویکرد اول به کودکان است و کودکان را موجودات منفعلی در نظر می‌گیرد که باید تابع جامعه بزرگسال باشند و مورد تربیت و آموزش قرار گیرند تا برای حضور در اجتماع آماده شوند. سه رویکرد دیگر با درجاتی کودکان را فعال و ارزشمند می‌دانند و از موضوعیت یافتن کودک، استفاده از تجربیات او نسبت به محیط اجتماعی تا مشارکت فعال او در تحقیق، توسعه یافته‌اند. این پژوهش به رویکرد سوم نزدیک است تا تجربه کودکان از جامعه‌ای بزرگسال را ثبت و تجربیات کودکان در ارتباط با محیط و اجبارهای اجتماعی جامعه بزرگ‌تر را بیان کند.

درباره کودکان به مانند دیگر گروه‌های اجتماعی لازم است بررسی کنیم که چگونه و تا چه حد کودکی بخشی از ساختار جامعه را تشکیل می‌دهد و چطور کودکان در کمک به حفظ و تقویت جوامع از طریق همکاری اقتصادی‌شان و فرآیند بین نسلی مشارکت می‌کنند (کورتروپ، ۲۰۰۹). کودکان به عنوان مردمی ارزشمند دیده می‌شوند، یعنی کسانی که مشارکت می‌کنند، همبستگی دارند و دانش و تجربه همکاری اجتماعی را دارند، آن‌ها زمانی احساس ارزشمند بودن می‌کنند که به رسمیت شناخته شوند. یکی از شیوه‌های مهم برای به حساب آوردن کودکان در فعالیت‌های ارزشمند اجتماعی، سپردن کارهای جدی در جامعه به آنان است (هلدزورث، ۲۰۰۵).

^۱ این دیدگاه در پیمان‌نامه حقوق بشر (CRC) درباره حقوق کودک، حمایت‌شده و مخصوصاً بر بخش‌های حقوق مشارکتی کودکان تأکید کرده است. (CRC) بیان می‌کند که در همه فعالیت‌ها (شامل پژوهش) که بر زندگی کودکان اثر دارند، باید کودکان به عنوان موجودی انسانی و شهروندانی فعال دیده شوند و این عقیده را که کودکان پیچیده، مطلع، هم‌فکر و شنوا هستند؛ ترقی دهند (کریستنسن و پروت، ۲۰۰۲؛ کاسترو و کازمینسکی، ۲۰۱۰).

روش‌شناسی پژوهش

در انسان‌شناسی شهری می‌توان بر مبنای روش‌های کیفی مردم‌نگاری، به داده‌هایی نو برای بررسی کنش و واکنش انسان‌ها با هم و در ارتباط با نهادها و محیط شهری رسید مانند کوین لینچ که به بررسی درباره نحوه ادراک مردم از شهر و تصویر ذهنی مبهم و واضح آن‌ها با روش مصاحبه عمیق و ترسیم طرح شهر به وسیله مردم پرداخت (لینچ، ۱۳۸۵: ۱۶).

جامعه نمونه از حدود ۱۷ هزار نفر^۱ جامعه آماری کودکان ۷ تا ۱۲ سال پسر ساکن منطقه یازده تهران، با روش‌های نمونه‌گیری متفاوت در چند مرحله انتخاب شده‌اند. داده‌های پژوهش بر اساس روش‌های گردآوری داده‌ها شامل مشاهده، مصاحبه عمیق، بررسی اسناد، در چند مرحله از مشاهده عینی تا تعریف ذهنی کودکان مورد مطالعه قرار گرفتند و داده‌های به‌دست‌آمده از هر مرحله مقدمه‌ای برای مطالعه عمیق‌تر کودکان بود.

۱. مشاهده رفتار در میدان تحقیق: حضور در فضاهای عمومی و نیمه عمومی شهری (فضاهای سبز، مدرسه) و مشارکت در بازی کودکانی که به عنوان ناسازگار و بیمار و بازیگوش شناخته می‌شدند توسط نمونه‌گیری خوشه‌ای در چند مرحله.

۲. بررسی اسناد بالادست و کالبد منطقه: بررسی طرح‌های جامع و تفصیلی تهران و منطقه مورد مطالعه، شرایط عینی کالبد شهری و ارتباط شهروندان با محیط‌های عمومی و نیمه عمومی شهر از طریق بررسی اسنادی و میدانی.

۳. مصاحبه غیرساختارمند با بیست نمونه از کودکان از طریق نمونه‌گیری تصادفی: کودکانی که انگ اختلال رفتاری به عنوان بچه کودن، پرخاشگر و بیش‌فعال و ناسازگار را از سوی خانواده، دوستان و اولیای مدرسه دریافت کرده بودند، مورد ملاحظه قرار گرفتند. در این مرحله کودکان با تشریح نوع مسکن، تعداد فرزندان، امکانات آموزشی، تفریحی و ورزشی که خانواده، مدرسه و مدیریت شهری در اختیار آنان قرار داده است، خواست و نیازهای خود را تشریح و دلایل رفتار ناسازگار خود را روشن کردند.

۴. مصاحبه ساختارمند با هفت نفر از مشاوران مدرسه، روان‌شناسان، والدین و مسئولان آموزشی که تأثیر محیط بر رفتار کودکان را انکار نمی‌کردند، اما علت اصلی را در مشکلات خانوادگی، (خشونت، طلاق، اعتیاد) می‌دانستند و انجام فرآیند روان‌درمانی را به عنوان تنها راه‌حل پیش روی کودک و خانواده او توصیه می‌کردند.

۵. بررسی نود مورد نقاشی و متن نوشته‌شده توسط کودکان دوره ابتدایی از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای و درخواست از آنان برای ترسیم نمای محل زندگی خود خانه و شهر مطلوبشان.

۶. یافته‌ها از تحلیل مصاحبه و نوشته‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی متعارف به دست آمد و با داده‌های حاصل از نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ ش، اهداف و چشم‌انداز و اسناد شهرسازی منطقه یازده تهران مقایسه شد.

^۱ سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵

تحلیل محتوای کیفی دارای سه رویکرد متمایز متعارف، هدایت‌شده و تلخیصی است و برای تفسیر معنا از محتوای متن داده‌ها به کار می‌رود. تفاوت سه رویکرد در رمزگذاری طرح‌ها، اساس رمزها و میزان قابلیت اطمینان آن‌ها است (هسیه و شانون، ۲۰۰۵). در تحلیل محتوای کیفی متعارف، داده‌های حاصل از مصاحبه و متن‌ها، کدگذاری می‌شوند و از میان آن مفاهیم کلیدی به دست می‌آید، با ادامه این روند برچسب‌هایی برای کدها در نظر گرفته می‌شود که یک یا چند تفکر کلیدی را نشان می‌دهد که مستقیماً حاصل خود متن و طرح اولیه کدگذاری است. سپس کدها در قالب مقولات منطقی و در ارتباط با هم تدوین می‌شود (پاتون و مایرینگ، ۲۰۰۰). در این روش دانش حاصل از این تحلیل بر اساس دیدگاه منحصربه‌فرد هر مشارکت‌کننده است و در داده‌های حقیقی ریشه دارد (لیندکویست، ۱۹۸۱). تحلیل محتوای کیفی، در ارتباط با هدف اصلی مطالعه که تعریف یک پدیده فرهنگی و اجتماعی در ارتباط با کودک است؛ راه را برای فهم مقوله‌ها و مفاهیم تازه از دیدگاه کودکان باز می‌کند و کالبد شهری از نگاه آن‌ها بازتعریف می‌شود.

موقعیت کودکان در فضاهای مسکونی و شهری منطقه یازده تهران

بر اساس آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۰، جمعیت شهرهای ایران به ۵۳۶۴۶۶۶۱ نفر رسیده است که ۷۱/۴ درصد جمعیت ایران را دربر می‌گیرد. پیامد آشکار افزایش جمعیت شهرنشین، کاهش سرانه اختصاص‌یافته مسکن و فضاهای عمومی برای هر فرد است که چالش مهمی برای برنامه‌ریزان شهری محسوب می‌شود. الگوهای برنامه‌ریزی جامع و تفصیلی^۱ در فرآیند توسعه شهری مورد توجه برنامه‌ریزان شهری قرار دارد و مدیران شهری آن را در قالب طرحی لازم‌الاجرا به اطلاع شهروندان می‌رسانند و به مدیران شهری ابلاغ می‌کنند. توجه به معیارهای کمی، اصول عقلانی و منطقی عمرانی، ایجاد کالدهای کارکردی باعث شد تا زندگی شهروندان در دست مدیران عمرانی و شهرسازی قرار گیرد و در کلی‌بینی و همسان‌سازی طرح‌های شهری این موضوع فراموش می‌شود که گروه‌های متفاوت شهری نیازهای فرهنگی- اجتماعی متنوعی دارند. منطقه یازده شهر تهران با وسعتی حدود ۱۲/۶ کیلومترمربع، ۸/۱ درصد مساحت تهران را شامل می‌شود و ۳/۵ درصد جمعیت مسکونی تهران را در ۴۴/۵۱ درصد اراضی خود جای داده است. کاربری اراضی در سطح منطقه عموماً عملکردی فرامنطقه‌ای^۲ دارد و حدود ۲۳ درصد اراضی را دربر می‌گیرد.

^۱ طرح تفصیلی ۱۳۹۱ منطقه ۱۱ ملاک این مقاله است.

^۲ از ویژگی‌های خاص منطقه ۱۱ وجود مراکز مهم سیاسی و نظامی مانند بیت رهبری، نهاد ریاست جمهوری، شورای نگهبان، شورای عالی امنیت ملی، سازمان بازرسی کل کشور و همچنین چند سفارت‌خانه و نیز وجود چندین پادگان نظامی که در این منطقه است. این منطقه، مراکز مهم اقتصادی و بازارهای تخصصی با عملکرد فرامنطقه‌ای و فراشهری را نیز در برمی‌گیرد.

جدول ۱: مساحت کاربری زمین در منطقه ۱۱ بر اساس طرح تفصیلی سال ۱۳۹۱^۱

کاربری زمین	مساحت (هکتار)	درصد از مساحت منطقه
مسکونی	۵۳۶/۹۵	۴۴/۵۱
مجموع کاربری‌های فرامنطقه‌ای	۲۷۵/۴۷	۲۲/۸۳
ساخته‌نشده و بایر	۴/۰۲	۰/۳۳
مغایر	۲۷۴/۹۷	۲۲/۷۹
سایر	۱۱۵/۰۶	۹/۵۴

این منطقه به چند دلیل به عنوان نمونه مطالعاتی انتخاب شده است: مرکزیت آن نسبت به حدود تهران، ارتباط شهروندان با این محدوده به دلیل وجود مراکز مهم اداری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، تراکم جمعیتی و مسکونی بالا، زیست طبقه متوسط شهری. منطقه ۱۱ به لحاظ کاربری به سه ناحیه شمالی، میانی و جنوبی^۲ تقسیم شده است، فعالیت، سکونت و خدمات وابسته به آن غالباً در قسمت‌های میانی و جنوبی منطقه استقرار دارند. به طور کلی الگوی توزیع کاربری زمین الگویی ترکیبی از ترکیب و اختلاط کاربری‌های متفاوت در کنار هم است.

تفکیک فضای شهری به علت محدودیت زمین صورت می‌گیرد و هدف برنامه‌ریزی و طراحی شهری در نهایت کنترل فضا است. بدون در نظر گرفتن فضاهای سیاسی، اداری و نظامی، بافت مسکونی متراکم است و با افزایش رو به رشد روند نوسازی بافت‌های فرسوده در منطقه، این تراکم در ارتفاع شکل می‌گیرد. حدود ۴۵ درصد اراضی منطقه قابل سکونت است و مدیران شهری سعی دارند تا کمبود مسکن در این منطقه را با افزایش تراکم ساختمانی بدون در نظر گرفتن سرانه‌های آموزشی، ورزشی و غیره جبران کنند.

در جدول ۲، ویژگی جمعیتی منطقه در مقایسه با شهر تهران بیان شده است. جمعیت منطقه، تعداد خانوار و بعد خانوار در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ - ۱۳۹۰ تحت تأثیر افزایش جمعیت و کاهش بعد خانوار در تهران بوده است. ۱۲/۵ درصد جمعیت منطقه شامل کودکان بین سنین ۶-۱۴ است که لزوم توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی این جمعیت را قابل ملاحظه می‌سازد. بعد خانوار از ۳/۲۵ به ۲/۹۳ کاهش یافته، اما تعداد خانوار در منطقه در حدود ۳/۷ باقی مانده است.

^۱ ضوابط و مقررات طرح تفصیلی جدید منطقه یازده تهران، اردیبهشت ۱۳۹۱، معاونت شهرسازی و معماری، شهرداری تهران.

^۲ چشم‌انداز توسعه شهری منطقه ۱۱ در طرح جامع شهری در قالب ۳ ناحیه معرفی شده به اختصار به صورت زیر تبیین شده است: (۱) ناحیه جنوبی: پهنه سکونت اقبال کم و متوسط درآمد شهری، ایمن و مقاوم، برخوردار از معیارهای محیط پایدار، دارای تسهیلات و خدمات عمومی در تناسب با جمعیت ساکن. (۲) ناحیه میانی: قلب و کانون فعالیت‌های سیاسی، مذهبی، حکومتی ملی و فراملی. (۳) ناحیه شمالی: بخشی از مرکز کلان‌شهر با ترکیب فعالیت‌های متنوع مرکزی شهری و سکونت، پررونق از نظر دادوستد کالا و تبادل اطلاعات.

جدول ۲: شاخص‌های جمعیتی منطقه ۱۱ و شهر تهران بر اساس آمار نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

شاخص جمعیتی / مسکونی	منطقه ۱۱				شهر تهران			
	۱۳۸۵	درصد	۱۳۹۰	درصد	۱۳۸۵	درصد	۱۳۹۰	درصد
جمعیت	۲۷۵۲۴۱	۳/۵	۲۸۸۸۸۴	۳/۵	۷۸۵۵۱۴۲	-	۸۱۵۴۰۵۱	-
کودکان ۶- سال ۱۴	۳۴۶۶۱	۱۲/۵	-	-	۹۰۸۹۷۰	۱۱/۵۷	۹۷۱۵۰۶	۱۱/۹۱
تعداد خانوار	۸۴۷۴۵	۳/۷	۹۸۵۵۶	۳/۷	۲۲۸۱۶۵۰	-	۲۵۹۷۷۳۱	-
بعد خانوار	۳/۲۵	-	۲/۹۳	-	۳/۴۴	-	۳/۱۴	-

نکته دیگر، زیربنای مسکونی برای خانوارهای شهری است. متراژ بنا ارتباط نزدیکی با سرانه اختصاص یافته خصوصی به هر فرد دارد تا بتواند نیازهای روانی و جسمی خود را مرتفع سازد. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ حدود ۹۵ درصد فضای مسکونی زیر ۱۵۰ مترمربع و حدود ۶۵ درصد زیربنای مسکونی زیر ۸۰ مترمربع و غالباً با یک اتاق خواب (فضای کاملاً خصوصی) است. همین روند در سال‌های مابین ۱۳۸۶-۱۳۹۲ ادامه دارد و آمار سالانه شهرداری تهران در تعداد پروانه‌های صادر شده نشان می‌دهد که واحدهای مسکونی دیگری با همین متراژ در دست‌ساخت هستند و میانگین زیربنا در سال‌های آتی تغییر خاصی نخواهد داشت.

جدول ۳: شاخص‌های مسکونی منطقه ۱۱ بر اساس آمار نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

مسکن معمولی بر اساس زیربنا	کمتر از ۵۰-۸۰ متر		۸۱-۱۵۰ متر		۱۵۱-۳۰۰ متر		۳۰۱-بیش از ۵۰۰ متر		جمع
	۵۴۰۰۲	۶۵/۷	۲۴۱۳۹	۲۹/۳	۳۶۴۹	۴/۴	۳۸۱	۰/۴۶	
									۸۲۱۷۱
									۱۰۰

جدول توصیفی اراضی تخصیص یافته مورد نیاز کودکان نشان می‌دهد که در مقایسه با میزان افزایش جمعیت، تخصیص فضایی عادلانه‌ای صورت نگرفته است و کاربری‌های آموزشی، تفریحی، ورزشی و فضای سبز برای جمعیت ساکن و کودکان منطقه کافی نیست، به عنوان نمونه ۱۲/۵ درصد جمعیت منطقه را کودکان دانش‌آموز تشکیل می‌دهند و سهم آن‌ها از فضای آموزشی تنها ۱/۷۸ درصد است. این فقر فضایی در مورد امکانات تفریحی، ورزشی و غیره بیش از این‌هاست حال آنکه در مرکز منطقه، اراضی وسیعی با کاربری نظامی و فرامنطقه‌ای قرار دارد که می‌تواند برای تسهیل امکانات شهری مناسب باشد.

جدول ۴: کاربری اراضی در منطقه ۱۱ تهران^۱

کاربری‌های ارضی منطقه ۱۱ بر اساس طرح تفصیلی ۱۳۹۱ منطقه ۱۱ تهران							
نوع کاربری	مساحت	درصد	سرانه	نوع کاربری	مساحت	درصد	سرانه
مسکونی	۵۳۶/۹۵	۴۴/۵۱	۲۲/۳۷	درمانی	۱۹/۵	۱/۶۱	۰/۸۱
آموزشی	۲۱/۵۵	۱/۷۸	۰/۸۹	تفریحی	۴	۰/۳۳	۰/۱۶
فرهنگی	۷/۲۱	۰/۶	۰/۳	ورزشی	۳/۰۲	۰/۲۵	۰/۱۲
مذهبی	۶/۴۱	۰/۵۴	۰/۲۶	فضای سبز	۲۵/۴۴	۲/۱۱	۱/۰۶

در کنار واقعیت کاربری‌های اختصاص‌یافته در اراضی منطقه، طرح جامع منطقه (۱۳۸۵) که چشم‌انداز، اهداف توسعه و راهبردهای توسعه را تبیین می‌کند؛ ارتقای کیفیت فضایی عناصر ساختاری منطقه، کنترل تراکم جمعیت و ارتقاء کیفیت واحدهای مسکونی، حفظ و ارتقای کیفیت محیط‌زیست در محلات و بافت‌های مسکونی به عنوان اهداف توسعه مطرح شده‌اند اما در واقعیت امر، روند نوسازی متراکم مسکونی منطقه، کمبود اراضی غیرمسکونی و تملک نظامی اراضی شهری، کارکرد فرامنطقه‌ای بخشی از منطقه، جایی را برای تحقق اهداف طرح جامع شهری باز نگذاشته است.

کودکان و تعریف موقعیت خود در شهر

لنسی یکی از محققان دوران کودکی این نکته را یادآوری می‌کند که «به واسطه موقعیتی که در دوران معاصر برای فرزندانمان به عنوان «افراد تحت تکفل» تعریف کرده‌ایم... کودکان را در یک فرآیند یادگیری قرار می‌دهیم و سپس آن‌ها را وارد جامعه می‌کنیم زیرا همه انسان‌ها نیاز دارند تا «به عنوان یک شهروند شایسته و موفق» کارکرد تمام ابزارهای فرهنگی را بدانند» (لنسی، ۲۰۰۸: ۵). تجربیات کودکان قابل مقایسه با مسائل و تجربیات اجتماعی دیگر گروه‌های اجتماعی، قومیتی و جنسیتی است. شاید یکی از عوامل برجسته‌ای که باعث شده کودکان مورد تبعیض قرار گیرند؛ عامل سن است که مانع از آن می‌شود دیگران صدای آن‌ها را بشنوند؛ درحالی‌که کودکان نسبت به محیط پیرامون خود آگاه‌اند و در صورتی که ساختار اجتماعی و فرهنگی کودکان را تحت فشار قرار دهد، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. یافته‌های به دست آمده از میان مصاحبه، متون و تصاویر با هدف نشان دادن درک کودکان از ساختار فضایی و کالبدی شهر در چند مقوله مهم دسته‌بندی شده‌اند تا به بازنمایی موقعیت کودکان در فضای فردی، مسکونی و شهری بپردازند.

^۱ ضوابط و مقررات طرح تفصیلی جدید منطقه یازده تهران، اردیبهشت ۱۳۹۱، معاونت شهرسازی و معماری، شهرداری تهران.

شکل گرفتن فردیت کودک با ایجاد فضای خصوصی

عرصه عمومی و خصوصی در مطالعات شهری یکی از مباحث مورد توجه پژوهشگران است. امر خصوصی پنهان و فردی است و امر عمومی آشکار و جمعی است و هرچقدر به سمت فضاهای عمومی پیش رود جنبه عمومی بودن آن بیشتر می‌شود (شارع پور، ۱۳۸۷: ۲۲۵). راپاپورت فضای شهری را بر اساس میزان تعاملات اجتماعی به سه دسته فضای عمومی (در دسترس همگان)، فضای نیمه عمومی یا نیمه خصوصی (با استفاده‌کنندگان خاص) و فضای خصوصی که به وسیله اشخاص اشغال می‌شود تقسیم کرده است (راپاپورت: ۱۹۷۷: ۲۸۹).

لوکوربوزیه^۱ این مسئله را مطرح می‌کند: «مسکن باید اجتماع افراد خانواده را ممکن ساخته، ضمناً استقلال هرکدام را حفظ کند تا همگان از هم زندگی جدا و مجزایی داشته باشند». کندی^۲ سه نوع فعالیت عمده را در گروه خانوادگی از یکدیگر متمایز می‌سازد: «(۱) فعالیت‌های عملی خانواده، (۲) فعالیت عملی اجتماعی و (۳) فعالیت عملی شخصی» که در نهایت این فعالیت‌ها نیازهای متنوع اعضای اجتماع خانوادگی را فراهم می‌سازد و افراد را برای حضور در اجتماع آماده می‌کند (توسلی، ۱۳۷۵: ۱۶۵-۱۶۴). کودکان نیاز به داشتن فضای خصوصی را با این هدف که استقلال خود را بازیابند و روابط خود با سایر اعضای خانواده تنظیم کنند، خواستارند. آلتمن خلوت را به عنوان یک فرآیند تعدیل محدوده‌ی پویا و مناظره‌ای ملاحظه می‌کند که خلوت کنترلی ایستا نیست بلکه «یک کنترل انتخابی از دسترسی به خود یا گروه دیگری است» (آلتمن، ۱۹۷۵: ۱۸). کنش کودکان در فضای شهر نشان می‌دهد که نیاز به داشتن حداقلی از فضای خصوصی و تعلق فرد به فضای اختصاص‌یافته از جمله خواست‌های زندگی در جامعه شهری است. حدود ۶۵ درصد فضای مسکونی و متراکم شهری در منطقه ۱۱ با متراژی زیر ۸۰ مترمربع و غالباً با یک اتاق خواب است و فضای شخصی برای اعضای خانواده وجود ندارد؛ همین موضوع باعث تعارض با سایر اعضای خانواده و بروز واکنش‌های ناسازگار در کودکان می‌شود.

جدول ۵: برخی مقوله‌های اشاره‌شده توسط کودکان در ارتباط با لزوم وجود فضای خصوصی

نتیجه	مقولات	نمونه (خود)
شکل گرفتن فردیت کودک	نیاز به فضای خصوصی	من دوست دارم در یک خانه بسیار بزرگ زندگی کنم و یک اتاق مخصوص برای خودم داشته باشم و اگر دوست نداشتم کسی وارد اتاق من شود، اجازه به او نمی‌دادم.
		یک اتاق جداگانه داشته باشم که هر وقت دلم خواست در آن اتاق درس بنویسم و هر وقت دلم خواست کارهای خصوصی انجام دهم، به اتاقم می‌روم و کار خصوصی را انجام می‌دهم.
		من خانه‌ی خود را دوست دارم چون در آن راحت هستم. من در این خانه یک اتاق دارم که تمامی لوازم خود را در آن چیده‌ام.

^۱ Le Corbusier

^۲ Candi

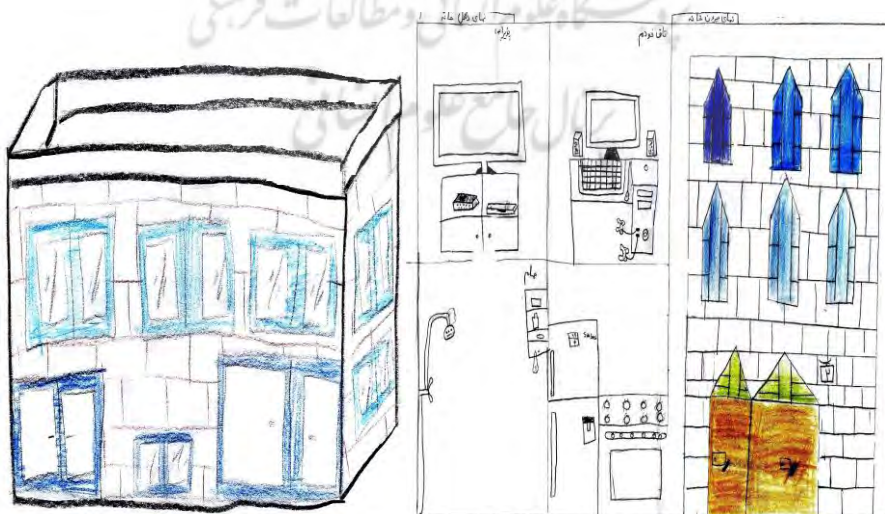
ارتباط کودک با دیگری	دوست دارم در خانه‌ای زندگی کنم که اتاق زیاد داشته باشد و من هم برای خودم اتاق جداگانه‌ای داشته باشم و با برادرم دعوا نکنم.
----------------------------	--

مسکن مطلوب و متناسب با نیاز کودک

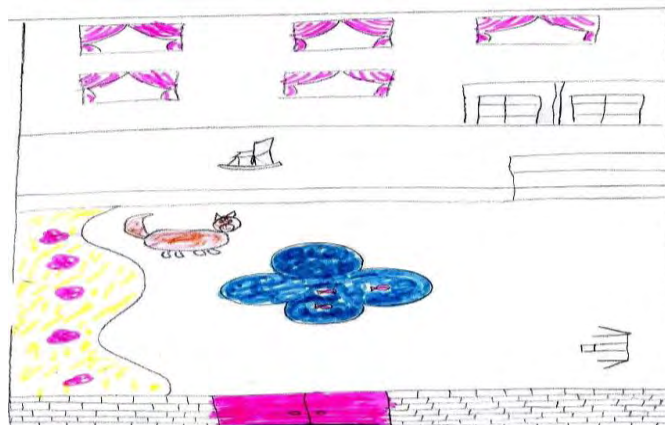
درک کودکان از کمیت و کیفیت فضای مسکونی موجود با داده‌های عینی شهرسازی و تراکم مسکونی منطقه همخوانی دارد. مشکلات مسکن از جمله متراژ پایین، تراکم مسکونی، نوع ساخت بنا، فقدان فضای بازی از جمله بیشترین مواردی است که کودکان را همچون بزرگسالان درگیر در مسائل آپارتمان‌نشینی ساخته است.

به دلیل بی‌توجهی به نیازهای روانی و جسمی کودکان، آن‌ها ناچار به سازگاری با شرایط ناسازگار فضای مسکونی شده و از حداقل فضای موجود استفاده می‌کنند. در غالب توصیفات از مسکن مطلوب تمایل به داشتن خانه‌ای بزرگ و زیبا ذکر شده است. این مسکن از یک نمونه واقعی تا یک نمونه آرمانی و خیالی قابل تصور است. خانه توسط کودکان گاهی یک فضای مستقل کوچک و دور از شهر و گاهی به عنوان یک واحد مستقل و تام مانند یک شهر ترسیم می‌شود که فضاهایی با کارکرد عمومی در داخل فضای خصوصی جای می‌گیرند تا پاسخگوی بسیاری از نیازهای جسمی و روانی کودک باشند. کودکان در توصیف محیط زندگی مطلوب خود به کمیت و تخصیص فضایی، بازی، تفریح، زیبایی و سرسبزی و دیگر عناصر کالبدی توجه دارند. داده‌ها نشان می‌دهد که فاصله زیادی از مسکن موجود تا مسکن مطلوب در میان کودکان تهران وجود دارد. اگر جامعه بزرگسال مجبور به استفاده از مسکن حداقلی است اما کودکان که دغدغه تأمین مسکن را ندارند و می‌خواهند از فضای مسکونی متناسب بهره‌برند، دچار چالش می‌شوند.

تصویر ۱: نمونه‌ای از نمای بیرونی و تخصیص فضای درونی در مسکن موجود



تصویر ۲: نمونه‌ای از نقاشی خانه مطلوب، خانه‌هایی که در روند نوسازی شهر به سرعت تخریب می‌شوند.



جدول ۶: مقوله‌های استخراج‌شده از صحبت‌های کودکان راجع به مسکن موجود و ایده‌آل

نتیجه	مقولات	نمونه (مسکن موجود)
عدم تناسب تخصیص فضای مسکونی با نیاز کودکان	اندازه فضای زندگی	من از خانه‌های آپارتمانی خوشم نمی‌آید زیرا در آن فضا کم است
	اندازه‌ی فضای بازی رفتارهای درون فضا	آپارتمان ما کوچک است و من و برادرم بیشتر در اتاقمان بازی می‌کنیم. ولی گاهی اوقات که می‌خواهیم دوچرخه‌سواری کنیم به پارکینگ می‌رویم، تازه اگر در پارکینگ ماشین نباشد.
	کالبد فیزیکی مسکن، رویدادها و رفتارهای درون فضا، ویژگی‌های آسایشی و امکانات	خانه محل آسایش و آرامش است وقتی ما خسته از مدرسه به خانه می‌رویم، دوست داریم به خانه‌ای وارد شویم که ما را آرام کند. دور از شلوغی و هیاهوی خیابان و سروصدای ماشین باشد.
	امکانات فضای باز	خانه‌ی ما خوب است. حیاط دارد و پارکینگش مال خودمان است و هیچ کس آنجا پارک نمی‌کند و انباری دارد. خانه ما دو مشکل دارد یک این است که آنتن نمی‌دهد و دو این است که جلوی پارکینگ ما ماشین پارک می‌کنند.
	ویژگی‌های آسایشی رفتارهای	خانه‌ی ما یک چیز بدی که دارد، طبقه اول هستیم و مشکلات زیادی داریم، مانند صدای در موقع بسته شدن و باز کردن،

	درون فضا	موقع دویدن در راه پله صدا به پایین می آید.
نتیجه	مقولات	نمونه (مسکن مطلوب)
فضای مطلوب از حداقل خواسته‌ها تا رؤیاهای	اندازه فضای خانه	من این خانه را خیلی دوست دارم. این خانه بسیار زیبا است و بسیار بزرگ است. من در این خانه خاطرات بسیاری دارم.
	کمیت فضای سبز خانه	خانه ما حیاطی کوچک و تمیز و یک باغچه کوچک و حوضی زیبا داشته باشد. وقتی که هوا خوب است زیر سایه درختان باغچه یا آلاچیق بنشینیم و تکالیف مدرسه‌مان را انجام دهیم.
	کالبد فیزیکی مسکن رویدادها و رفتارهای درون فضا	خانه ما ۷۰ متر باشد و نمای بیرون آن مرمر سفید و مشکی و پنجره‌های آن شبیه نقاله باشد. رنگ شیشه‌های آن مشکی مات باشد. سقف‌های آن شیروانی و دور از دسترسی ماشین‌ها و آدم‌ها و تنهای تنها باشم.
	ویژگی‌های آسایشی و امکانات خیال و رویا ارتباطات خانوادگی	من دوست دارم خانه ما سه خواب داشته باشد و حدود ۱۵۰ متر باشد. چون من یک برادر دارم و ما دو دوست داریم. بوستان کوچکی نزدیک آن باشد. پارکینگ و انباری داشته باشد و یک بالکن یا تراس داشته باشیم چون من به گل و گیاه علاقه دارم.
	کارکرد فضای ویژگی‌های آسایشی	خانه اتاق‌های جداگانه‌ای داشته باشد؛ مانند اتاق کتابخانه، اتاق درس، اتاق بازی، اتاق ورزش، اتاق مهمان‌ها، اتاق دیدنی‌ها، در آنجا راحت باشی و بتوانی با آرامش و خوب درس بخوانی. مطالعه کنی و با آرامش بخوابی.
		در خانه‌ای که در آن انسان آرامش، راحتی و احساس شاد بودن داشته باشد.

		<p>امکانات و عناصر فضایی</p>	<p>من از کودکی دوست داشتم آن خانه‌ای را که در ذهن و رؤیاهای خودم می‌دیدم به واقعیت تبدیل کنم. علم معماری و ساختمان‌سازی هنوز آن‌قدر پیشرفت نکرده که خانه ذهنی من در همه‌جا دیده شود. اتاق من رو به آفتاب است، من دوست ندارم روزهای تعطیل صبح زود آنجا روشن شود و دلم می‌خواهد با زدن یک کلید جهت اتاق عوض شود. یا از آشپزخانه خیلی شلوغ بدم می‌آید. دوست دارم همه امکانات آنجا لیزری باشد. لیزری که در همه کارها به من کمک کند. البته این خانه نیاز به یک باغ و امکانات ورزشی و تفریحی نیز دارد.</p>
--	--	--------------------------------------	--

کودکان در شهری کارآمد

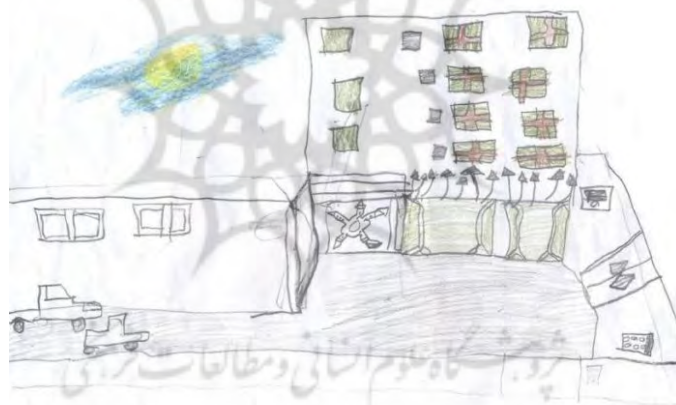
نیاز به برقراری ارتباط اجتماعی کودک با دیگران همچون اقوام، همسالان و جامعه از مواردی است که با توسعه و ایجاد امنیت در فضای عمومی امکان‌پذیر است. کودکانی که از یک طرف با مسکن نامناسب و از طرف دیگر با کمبود فضای عمومی در شهر مواجه‌اند، در برقراری تعامل اجتماعی ناموفق ظاهر می‌شوند و مهارت‌های اجتماعی-ارتباطی را به درستی یاد نمی‌گیرند، همین امر باعث می‌شود تا در محیط‌های هنجارمند مانند مدرسه که فرد را تابع مقررات خاصی می‌سازد، رفتارهای پرتنش از خود نشان دهد.

توسعه عرصه عمومی می‌تواند این پیامدهای ناخواسته و منفی را کاهش دهد؛ زیرا انسان‌ها محیط اجتماعی و فضای پیرامون خود را درک می‌کنند و فعالانه محیط مطلوب خویش را در میان ساختارهای فضایی و اجتماعی می‌سازند. پژوهشگران بر این امر تأکید دارند که اگر بخواهیم درکی از روابط اجتماعی، فرآیندهای اجتماعی و نیز روابط کودکان با مردم به عنوان موجوداتی انسانی، پویا و فعال داشته باشیم باید به نقش ذهنی و کنش بازیگران اجتماعی توجه کنیم. کنش متقابل میان مردم تأثیر بسیاری بر روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌گذارد (کسل، ۱۳۸۷؛ دیکنز، ۱۳۷۷). کودکان با محیط طبیعی پیرامونشان کنش متقابل دارند. این کنش متقابل، برآیند نیازهای آنان است و به واسطه محیط و تغییر در فضا برای رسیدن به فضای مطلوب شکل می‌گیرد. کودکان در فضای عمومی شهر به دنبال برقراری ارتباط اجتماعی با همسالان، همسایگان و خویشاوندان هستند، سهولت دسترسی به امکانات شهری، افزایش کاربری فضای سبز و کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی از مواردی است که احساس امنیت جسمی و روانی را برای کودکان به همراه دارد.

ربانی به نقل از ریشارد می‌نویسد: «فضا تولیدی اجتماعی است که دارای حدود و ثغور خاص خویش است». در این مفهوم فضا به محدوده‌ای گفته می‌شود که «دارای عنصری اساسی باشد و به کمک آن بتوان بین بخش‌های مختلف ارتباط برقرار کرد» (ربانی، ۱۳۸۱: ۳۶). ارتباطی اساسی میان فضا و جامعه وجود دارد. این ارتباط پیچیده است و باعث به وجود آمدن انواع مختلف جوامع کوچک و تنوع فضایی می‌شود. یکی از فضاهای عمومی مهم برای کودکان، فضاهای سبز شهری است. فضای سبز شامل پارک‌ها، باغچه‌ها، نوار سبز حاشیه خیابان‌ها و کوچه است.

با توجه به شاخص‌های کالبدی و جمعیتی، حداقل الگوهای فضای سبز در منطقه ۱۱ به کار رفته است. جمعیتی در حدود ۳/۵ درصد جمعیت تهران در ۴۴/۵۱ درصد فضای مسکونی ساکن هستند و برای این تعداد از شهروندان تنها ۲/۱۱ درصد فضای سبز وجود دارد، مجموع کاربری‌های فرمانطقه‌ای ۲۲/۸۳ درصد اراضی را تشکیل می‌دهد که حجم قابل توجهی از آن امکان تبدیل شدن به مکانی عمومی برای شهروندان و کودکان را دارد.

تصویر ۳: در این نقاشی کودک سعی دارد موقعیت فضایی کوچه و مشکل کمبود جای پارک ماشین را ترسیم کند.



روپارویی با پیامدهای ناشی از پیچیده‌تر شدن جامعه شهری مانند آلودگی‌های زیست‌محیطی، ترافیک و حمل‌ونقل شهری، کاهش سرانه خدمات شهری، تراکم ساخت‌وساز شهری همه از مسائلی است که افراد جامعه شهری و از همه بیشتر کودکان را در معرض خطر قرار می‌دهد؛ بنابراین توسعه شهری با هدف بهبود وضعیت زندگی شهرنشینی، محیط‌زیست و اصلاح جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان باید به این پیامدها توجه داشته باشد.

از جمله معیارهای کارآمدی و توسعه شهری، دسترسی به امکانات و خدمات مورد نیاز در تقسیمات درون منطقه‌ای است. به اعتقاد لگیتس و استاوت، از اصول حاکم بر طراحی یک محله ایده‌آل این است که در محله ترکیبی از انواع فعالیت‌ها مانند مسکونی، تفریحی،

خدماتی و... وجود داشته باشد (لیگاتس و استوت، ۲۰۰۳) اما نابرابری فضایی موجود و کاهش دسترسی به تسهیلات آموزشی، تفریحی مورد نیاز شهری از مسائل کودکان ساکن در مرکز شهر است.

جدول ۷: ویژگی‌های شهر کارآمد از نظر کودکان منطقه ۱۱

نتیجه	مقولات	نمونه (شهر کارآمد)
تعامل و مشارکت اجتماعی	ارتباط با دوستان	خانه‌ای که در آن ساختمانی باشد تا در آن ساختمان بتوانم با دوستان ساختمانی‌ام بازی کنم و اگر وقتی کسی نبود برای سرگرمی پیش همسایه بروم.
	ارتباط با همسایگان	در خانه‌ای دوست دارم زندگی کنم که قدیمی باشد و مردم آن محل خوب و باادب باشند تا چیزهای خوبی به من یاد بدهند. ای کاش می‌شد همه‌ی خانه‌ها ویلایی بود چون دیگر همسایه‌ها به ما گیر نمی‌دادند
	ارتباط با خویشاوندان	دوست دارم خانه‌مان نزدیک خانه عمویم باشد چون من عمویم را خیلی دوست دارم. خانه‌مان را دوست دارم چون نزدیک خانه‌ی مادربزرگ است.
افزایش کاربری فضای سبز عمومی	انواع فضای سبز	من دوست دارم در خانه‌ای زندگی کنم که آن خانه قشنگ باشد، در اطراف آن پارک و فضای سبز وجود داشته باشد.
		دوست دارم جلوی خانه‌ی ما یک پارک زیبا باشد تا وقتی پنجره‌ی آپارتمان باز می‌شود، زیبایی پارک ما را به نشاط بیاورد.
		خانه ما در یک کوچه خلوت و ساکت و پر از درخت باشد.
کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی	تراکم جمعیت	ای کاش تعداد تهران از نظر نفرات کم می‌شد و دیگر این همه آلودگی را نیز حس نمی‌کردیم و دیگر هیچ کس مریضی ریه را نیز نداشت. من دوست ندارم که در یک خیابان شلوغ باشم و خانه‌مان آنجا باشد. من دوست دارم در یک کوچه ساکت خانه داشته باشیم.
	آلودگی هوا	من دوست داشتم که خانمان در طبیعت باشد و از آلودگی فرار کنم. در طبیعت هوای کثیفی وجود ندارد و من در آنجا می‌توانم با دوستان خوبی که با آن‌ها دوست شده‌ام بازی کنم. خانه ما در شهری باشد که هوا تمیز و آلوده نباشد. نزدیک خانه‌ی ما کوه قشنگی باشد.
	آلودگی صوتی	دوست دارم در خانه‌ای جادار و آرام زندگی کنم. اینجا صدای اتومبیل‌ها بسیار است و نمی‌توانم بخوابم.
		دوست دارم در جلوی منزلمان خیابان باشد اما ترافیک نباشد

		و سروصدای ماشین‌ها ما را اذیت نکند.
دسترسی به امکانات و تسهیلات شهری	معاپر	کوچه ما خیلی خیلی کوچک است اما جای دو ماشین را دارد.
	دسترسی به مراکز آموزشی و درمانی	ای‌کاش خانه ما نزدیک مدرسه بود چون اگر با دوستانم بخواهم قرار بگذارم، بتوانم.
		خانه‌مان به مدرسه نزدیک باشد و به بیمارستان هم نزدیک باشد؛ و دیگر پدرمان ما را به مدرسه نبرد. خودمان به مدرسه می‌رویم و هرکس یک چیزش شد، دیگر به ماشین احتیاج نداریم و ما آن پسری که مریض شده است خودمان به بیمارستان برویم.
		از خانه‌مان خوشم می‌آید چون به مدرسه خیلی نزدیک است.
		من از خانه‌مان راضی هستم چون تقریباً یک کیلومتر از مدرسه فاصله دارد.

بازی به مثابه فرهنگ کودکی

به نظر پژوهشگران دلایل کافی برای در نظر گرفتن بازی به عنوان فرهنگ دوران کودکی وجود دارد. مجموعه بزرگی از آثار درباره بازی‌های کودکان ارائه شده که نشان می‌دهد کودکان دارای یک فرهنگ مجزا و بادوام هستند. مورخان انگلیسی پیترو و ایونا اپی^۱ که پیرامون بازی‌های کودکان تحقیق کرده‌اند، فهرستی از صدها بازی مخصوص کودکان را ارائه داده‌اند (پستمن، ۱۳۷۸: ۲). کندریک به نقل از فرانکلین^۲ می‌نویسد: «بازی مجالی برای کودکان فراهم کرده است تا موقعیت‌های تصویری و درک‌شده خود از اجتماع را بسازند». کندریک^۳ این جمله را با جمله دیگری از دیسون^۴ تکمیل می‌کند و می‌نویسد: از آنجا که کودکان «از قیود به‌هم‌پیوسته و کنش‌های واقعی آزادند به راستی صدای خودشان هستند.» آن‌ها در میان بازی‌ها منظور، مفاهیم، اهداف و کنش‌های خود را القا می‌کنند. (کندریک، ۲۰۰۵)

بازی ضرورت زندگی کودکانه است اما سبک زندگی در شهر و مسکن حداثی، امکان تحرک را از کودکان می‌گیرد. تمایل کودکان به بازی محور اصلی در ترسیم فضای مطلوب زندگی است. وقتی کودکان نمی‌توانند از فضای عمومی گسترده در مدرسه و محله استفاده کنند، ناچار تصور ایده‌آلشان ورود عرصه بازی به خانه مطلوبشان است. خانواده و مدیران عرصه عمومی در پاسخ به این نیاز مهم در کودکان دو راه دارند: ۱) تبدیل مسکن حداثی به حداکثری توسط خانواده، ۲) گسترش فضای بازی در مدرسه و شهر توسط مدیران عرصه عمومی.

¹ peter & iona opie

² Franklin, 1983; Vygotsky, 1978

³ Kendrick, 2005

⁴ Dyson, 1997: 13

استقلال فردی در فضای خصوصی و احساس آرامش و رضایت با ایجاد فرصت بازی و تحرک معنا پیدا می‌کند. به همین دلیل آن دسته از کودکانی که امکان بازی و حضور در اجتماع را به مانند دیگران ندارند، احساس سیری‌ناپذیر نسبت به بازی پیدا می‌کنند و به هر وسیله ممکن سعی می‌کنند فضای زندگی خود را آن‌گونه که دوست دارند بسازند؛ حتی اگر منجر به گرفتن انگ اختلال و بیماری به عنوان کودک شرور شوند.

جدول ۸: نمونه‌های فرهنگ کودکان منطقه ۱۱

نتیجه	مقولات	نمونه (فرهنگ کودکان)
	بازی و ورزش	جا برای تفریح داشته باشیم، مثلاً بتوانیم در آن دوچرخه‌سواری کنیم.
		من دوست دارم خانه امان یک ذره بزرگ‌تر باشد و بتوانم به راحتی بدوم و بازی کنم.
بازی به مثابه فرهنگ کودکی	محدودیت و مشکلات بازی کودکان	دوست دارم در خانه‌ای زندگی کنم که همسایه پایینی نداشته باشیم و من و برادرم به راحتی بتوانیم در خانه‌مان هر چوری که دلمان می‌خواهد بازی کنیم.
		من دوست دارم در خانه‌ای زندگی کنم که هم به مدرسه نزدیک باشم و هم اینکه خارج از شهر باشد زیرا سروصدای ماشین‌ها و دود فراوان همیشه در ذهن من است اما خودتان بیشتر می‌دانید که بیشتر خانه‌ها به آپارتمان تبدیل شده است؛ و فکرش را بکنید ما الآن درون طبقه چهارم یک آپارتمان زندگی می‌کنیم و این خیلی بد است، چون من دیگر نمی‌توانم در خانه فوتبال بازی کنم. چون می‌ترسم همسایه پایینی ما از دستمان ناراحت شود؛ بنابراین مجبورم بازی‌های بی‌سروصدا بازی کنم. مثل کامپیوتر بازی اما مشکل اینجاست که کامپیوتر به همه چی صدمه می‌زند مثل چشم، روح و روان و همین‌طور باعث خم شدن کمر و چاقی می‌شود.

نتیجه‌گیری

طرح بحث پیرامون فرهنگ کودکی در جامعه شهری می‌تواند راه را برای پژوهش‌های بیشتر باز کند و نظریه‌های قطعی و برساخت شده‌ای که به سلامت و روان کودکان آسیب می‌زند را تعدیل کند تا پژوهشگران اجتماعی و شهرسازان را متوجه نیازهای گوناگون کودکان مانند امنیت و سلامت روانی و ارتقای سطح زندگی و فرهنگ آنان کند. در حال حاضر این ادعا وجود دارد که در طرح‌های توسعه شهری، انسان هدف قرار گرفته است؛ اما مطالعات صورت‌گرفته نشان می‌دهد که رضایت از مسکن و ارتباط فضایی میان عرصه خصوصی و عرصه عمومی در شهر به عنوان یکی از شاخص‌های کیفیت زندگی، مطلوب و متناسب با نیاز کودکان نیست. روند شهرسازی و سرانه‌های واقعی اختصاص‌یافته به کودکان در منطقه

یازده تهران با چشم‌انداز و اهداف طرح‌های توسعه فاصله زیادی دارد. این در حالی است که کودکان به خوبی متوجه خواسته‌های خود از مسکن و شهر هستند. این موضوع در جدول ۸ و ۹ نمایش داده شده است.

جدول ۹: ویژگی‌های مسکن مورد توجه کودکان منطقه ۱۱

رفتاری		فیزیکی-کالبدی		فردی-ذهنی	
بازی، درس خواندن، دویدن و ...	رفتارهای فردی	فضای زندگی فضای بازی	ابعاد فضا	حریم شخصی	
جمع شدن اعضای خانواده	رفتارهای دیگران	فضای سبز، گل و چمن، حیوان	ارتباط با طبیعت	آرامش	
		نور طبیعی سهولت دسترسی امکانات دوری از سروصدا پاکیزگی	شرایط آسایش	شادی، گرمی و لذت	
		شکل فضا مصالح ساختمان	زیبایی	کنترل ارتباطات	
		دید و منظر		امنیت	
		مصالح فضا	ترجیح دادن خانه بر آپارتمان		حس مالکیت
		باز- بسته بودن فضا		رؤیایی بودن خانه	

درک کودکان از مسکن، آن را با ویژگی‌های ذهنی، کالبدی و رفتاری شناسایی می‌کند اما در رابطه با شهر، آن را عموماً با ویژگی‌های کالبدی و رفتاری توصیف می‌کند. ابعاد و اندازه فضاها، موضوع بسیار مهمی است که به خوبی توسط کودکان شرح داده شده است. این در حالی است که توصیفات شرایط موجود در منطقه نیز فقدان فضای کافی را نمایش می‌دهد.

جدول ۱۰: ویژگی‌های شهر که کودکان منطقه ۱۱ مورد توجه قرار داده‌اند

رفتاری		فیزیکی-کالبدی	
بازی با دوستان	تعامل و مشارکت	فضای بازی با دوستان فضای کوچه و پارکینگ و ...	ابعاد و اندازه فضاهای شهری
ارتباط با همسایه و خویشاوندان		دید و منظر	ارتباط با طبیعت

	هوای پاک دوری از سروصدا	پاکیزگی محیط‌زیست
	ترافیک کم تراکم جمعیت کم	شرایط آسایش
	سهولت دسترسی به مدرسه و خانه خویشاوندان	هم‌جواری‌ها

اعمال کنترل اجتماعی توسط جامعه بزرگسال با برچسب اختلال و بیماری به کودکان و به واسطه هنجارهای اجتماعی و مشاوره‌های روانی و روان‌پزشکی به جای حذف موانع و محدودیت‌های کالبدی اثرات جبران‌ناپذیری را بر ذهن آنان باقی می‌گذارد. در نهایت، رفتار کودکان در میان کنش‌های متقابل و میان ذهنیت فرد با دیگری و محیط از مفاهیم برساخته شکل می‌گیرد و به تدریج موجب آسیب‌های رفتاری و نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت و متعارض در بزرگسالی آنان می‌شود. به بیانی روشن‌تر این امر یک پدیده فراگیر شده است که در برخورد با رفتارهای پرتحرک و سیری‌ناپذیر از بازی کودکان، لفظ بیش‌فعال، شیطان و شرور و کودن شنیده شود؛ بدون آنکه به این امر توجه کنیم که غالب رفتار کودکان نتیجه موقعیت نامتناسب با محیط و اقتضای شرایط سنی آنان است.

همان گونه که نشان داده شد، کالبد مرکزی شهر تهران، امکان حرکت و نشاط را از کودکان گرفته، فضای عمومی را برای کودکان تنگ کرده و فضای خصوصی را با هدف تأمین مسکن متراکم به حداقل خود رسانیده است. نتیجه چنین روندی انواع واکنش‌های رفتاری کودکان مانند خشونت، گوشه‌گیری و انزوا، عدم یادگیری، بی‌قراری و تنش‌های عصبی، تمایل بیش از اندازه به بازی و غیره نسبت به محیط و خانواده و همسالان است. از طرف دیگر، عدم آگاهی جامعه از لزوم مشاوره‌های روانی و روان‌پزشکی جای خود را به تحلیل هر پدیده فرهنگی و رفتاری به مشکلی در روان و بیان راه‌حلی روان‌شناسانه داده است. کودکان شهری به طرز افراطی تحت تسلط تحلیل‌های روان‌شناسانه مردم قرار می‌گیرند، درحالی که بخش قابل توجهی از رفتارهای پرتنش و به تعبیر عموم ناسازگار به کالبد شهری، فضای مسکونی و نیازهای جسمی و روانی متناسب با فرهنگ کودکی کودکان بازمی‌گردد. روند رو به افزایش کودکانی که به هر دلیلی تحت روان‌درمانی و مصرف دارو قرار می‌گیرند در طولانی مدت باعث می‌شود که به افرادی آسیب‌پذیر، بی‌مسئولیت و ضعیف در بزرگسالی تبدیل شوند؛ اما بهترین راه‌حل تغییر و اصلاح کالبد شهری و مسکونی است که با ایجاد فضای کاملاً خصوصی در زندگی کودکان، افزایش حضور کودکان در فضاهای عمومی، افزایش زمان ورزش، بازی و غیره امکان‌پذیر است.

منابع

- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی شهری*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- پستمن، نیل (۱۳۸۷). *نقش رسانه‌های تصویری در زوال دوران کودکی*، ترجمه و نگارش دکتر صادق طباطبایی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- دیکنز، پیتر (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی شهری*، جامعه، اجتماع محلی و طبیعت انسانی، ترجمه حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸). «دوگانگی طبیعت بشری و شرایط اجتماعی آن»، ترجمه حسن گلچین، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۰.
- ربانی، رسول و وحید، فریدون (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی شهری*، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان و سمت.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی شهری*، تهران: انتشارات سمت.
- کسل، فیلیپ (۱۳۸۳). *چکیده آثار آنتونی گیدنز*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ققنوس.
- لینچ، کوین (۱۳۸۵). *سیمای شهر*، ترجمه منوچهر مزینی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

اسناد بالادست

- استانداری تهران، دفتر آمار و اطلاعات (۱۳۹۰، ۱۳۹۱). *سالنامه آماری استان تهران*، معاونت برنامه‌ریزی، دفتر آمار و اطلاعات.
- استانداری تهران (۱۳۹۱). *هماندسازی اطلاعات جمعیتی استان تهران*، ۱۳۷۵-۱۳۹۰ بر اساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۹۰، تهران، معاونت برنامه‌ریزی، دفتر آمار و اطلاعات.
- الگوی توسعه منطقه یازده* (وزارت مسکن و شهرسازی).
- سند راهبردی توسعه محلات تهران در سال ۱۳۸۸، شهرداری تهران.
- معاونت شهرسازی و معماری (۱۳۹۱). *ضوابط و مقررات طرح تفصیلی جدید شهر تهران*، اردیبهشت ۱۳۹۱، شهرداری تهران.
- طرح تفصیلی منطقه یازده در سال ۱۳۹۱*، شهرداری تهران.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و نتایج کلی شهر تهران (مناطق ۲۲ گانه)، ۱۳۸۸، تهران، مرکز آمار ایران، دفتر ریاست امور بین‌الملل و روابط عمومی.
- داده‌های اطلس محلات و سالنامه آماری شهر تهران در سایت شهرداری تهران.

www.tehran.ir

نفوس و مسکن، سرشماری ۱۳۹۰، نتایج سرشماری ۱۳۹۰ برگرفته از سایت

<http://amar.org.ir/census>

Altman, I. (1975). *The Environment and Social Behavior: Privacy, Personal Space, Territory, and Crowding*.

Becker, Howard S (1963). *Outsider: Studies in the Sociology of Deviance*. New York: Macmillan.

Bogossian, Paul (2001). *What is Social Construction?*. Times literary Supplement, February.

Christensen, P., & Prout, A. (2002). Working with ethical symmetry in social research with children. *Childhood*, 9(4), 477-497.

de Castro, L. R., & Kosminsky, E. V. (2010). Childhood and its regimes of visibility in Brazil: An analysis of the contribution of the social sciences. *Current Sociology*, 58(2), 206-231.

Holdsworth, R. (2005). Taking young people seriously means giving them serious things to do. *Children taken seriously in theory, policy and practice*, (12).

Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288.

Jane, J. (1961). *The death and life of great American cities*. New-York, NY: Vintage.

Lancy, D. F. (2008). *The Anthropology of Childhood: Cherubs, Chattel. Changelings*. Cambridge. New York: Cambridge, 480.

Legates and Stout, (2003). *The City Reader*, 3Edition, New Yprk, Routledge.

- Lindkvist, K. (1981). Approaches to Textual Analysis. Teoksessa Rosengren K.(ed.) Advances in Content Analysis.
- Mayring, P. (2000) *Qualitative Content Analysis*, Forum: Qualitative Social Research, 1(2).
- Patton, M.Q, (2002). *Qualitative Research and Evaluation Methods*, Thousand Oaks: sage.
- Qvortrup, Jens (2005). *Varieties of childhood. Studies in Modern Childhood: Society, Agency, Culture*, NY: Palgrave.
- Qvortrup, J. (2009). Childhood as a structural form. In *The Palgrave handbook of childhood studies* (pp. 21-33). Palgrave Macmillan UK.
- Rapoport, A. (1977). *Human aspects of urban form* (Vol. 3). Oxford: Pergamon.
- Spector, Malcom & John Kitsuse, (1987) ed2, *Constructing Social Problems*, New York: Aldine de Gruyter.
- Webb, R, Westergaard, H, Trobe, K, and Steel, L. (2008). *AS Sociology*. Brentwood: Napier Press. First edition 2004.

